هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۱۸ | چهارشنبه ۵ اسد ۱۳۸۴ | ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۲۶ - 27 July 2005

سرمقاله

دیدار نخست وزیر پاکستان از افغانستان
کدام یک، استراتژی کهنه یا استراتژی نو؟
ص۲

بحثی دربارهٔ پارلمان و انتخابات پارلمانی
ص۶

جهادي مشران په پاکستان کي ندي مطرح شوي
۳ مخ

در مذاکرات آقای حامد کرزی با نخست وزیر پاکستان

دربارهٔ مسائل سیاسی و اقتصادی بحث شد

آقای حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان روز یکشنبه ۲ اسد با آقای شوکت عزیز نخست وزیر پاکستان در قصر گلخانهٔ ریاست جمهوری دیدار کرد و در پیرامون مسائل سیاسی، اقتصادی،



امنیتی، ترانزیت و تجارت با یکدیگر صحبت کردند.

آقای حامد کرزی پس از انجام مذاکرات با نخست وزیر پاکستان در یک کنفرانس مطبوعاتی دربارهٔ مناسبات افغانستان و پاکستان سخن گفت و خواستار تحکیم این مناسبات شد. وی گفت: ما امیدوار هستیم که حکومت های هر دو کشور این دوستی را هرچه بیشتر گسترش و تحکیم بخشند.

همچنان آقای شوکت عزیز تعهد دولتش را برای از بین بردن تروریزم و تأمین صلح یک بار دیگر تکرار کرد و تأمین صلح در منطقه را به نفع هر دو کشور خواند.

نامبرده در این دیدار مساعدت بلاعوض یک صد میلیون دلاری به بازسازی افغانستان را اعلام داشت. این مساعدت علاوه از صد میلیون دلاری می باشد که در کنفرانس توکیو و برلین این کشور تعهد کرده بود.

همچنان تفاهمنامه یی در مورد حمایت از سرمایه گذاری میان جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی پاکستان و تفاهم نامهٔ پنجمین جلسهٔ کمیسیون مشترک اقتصادی افغانستان و پاکستان نیز توسط مقامات دو کشور به امضا رسید.

نخست وزیر پاکستان کلید هفت عراده موتر امبولانس ص۸

جنگ تمدن ها و شاهراه کابل قندهار! ص۲

سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان:

زمامداران رژیم کمونیستی به کشتار مردم دستور داده اند ولی دولت مجاهدین همچو دستور هایی صادر نکرده است



آقای محمد نسیم فقیری سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان یکی از میهمانان برنامهٔ میز گرد رادیو آزادی بود که عصر روز پنجشنبه ۳۰ سرطان به طور مستقیم پخش گردید. موضوع این میز گرد گزارش پروژهٔ عدالت در مورد افغانستان و موارد نقض حقوق بشر و جنایات ضد بشری در گذشته بود. سایر میهمانان برنامه عبارت بودند از آقایان پوهاند محمد موسی معروفی رئیس کمیسیون نشرات رادیو تلویزیون احمد فهیم حکیم معاون کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و ژنرال نورالحق علومی رهبر حزب متحد ملی. گفتنی است که برنامهٔ مذکور صبح روز جمعه باز پخش گردید.

فقیری در مورد این گزارش که طی آن از شخصیت های جهادی نیز نام برده شده است، در پاسخ سؤالی گفتند: فرق کلی و اساسی میان رژیم کمونیستی و مجاهدین این است که در جنایاتی که در آن دوران صورت گرفته، رژیم کمونیستی به حیث دولت مسؤول آن جنایات است. ص۳

واقف حکیمی در میز گرد رادیوی صبح بخیر افغانستان:

گزارش دیدبان حقوق بشر عاملان اصلی جنگ های کابل را معرفی نکرده است



واقف حکیمی در پاسخ به این سؤال که پس چگونه محکمه و بازپرس عادلانهٔ مورد نظر شما به وجود می آید گفت: باز هم تأکید می کنم بررسی و ارزیابی مسائل نقض حقوق بشر یکی از مسائل مبرم جامعهٔ ماست باید همهٔ کسانی که متظلم شده اند به دادشان برسند. این مسأله یی است که همهٔ ادیان سماوی و همهٔ کسانی که به مسألهٔ انسانیت معتقد هستند بر آن تأکید دارند. با تشکیل پارلمان منتخب افغانستان این مشکل تا حدی بالا حل خواهد شد. ص۵

کشورهای جهان امنیت انتخابات پارلمانی را برعهده گرفتند

وزارت دفاع فرانسه اعلام کرده است که برای تأمین هرچه بیشتر امنیت انتخابات پارلمانی افغانستان ۶ فروند هوا پیمای جنگی و ۱۲۰ سرباز به افغانستان اعزام می دارد. وزیر دفاع فرانسه به تاریخ اول اسد جهت دیدار با سربازان کشورش به افغانستان سفر کرد. وزیر دفاع فرانسه و آقای کرزی در مذاکراتی که باهم داشتند دربارهٔ یک موافقتنامهٔ نظامی دراز مدت نیز بحث و گفتگو کردند.

بر اساس یک خبر دیگر معاون وزیر دفاع پولند اعلام کرده است که آن کشور حدود یک هزار سرباز به افغانستان اعزام خواهد کرد. پولند به پیمان ناتو پیشنهاد کرده است که فرماندهی نیروهای ناتو را عهده دار شود. فرماندهی نیروهای ناتو در افغانستان به شکل دورانی برای مدت شش تا نه ماه می باشد.

پیام استاد ربانی به رئیس جمهوری مصر به مناسبت

انفجارات اخیر در شرم الشیخ

برادر گرامی آقای حسنی مبارک رئیس جمهوری عربی مصر حفظه الله تعالی

السلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

وبعد:

صمیمانه ترین تمنیات خود را خدمت شما تقدیم می کنم، صحت مندی و عافیت شما را در راه رهبری ملت برادر مصر آرزو می برم.

با تأسف و اندوه فراوان خبر انفجارهای روز شنبه ۲۰۰۵/۷/۲۳ شرم الشیخ را که منجر به ریختن خون برادران مسلمان و بی گناه مان شد دریافت کردم.

جمعیت اسلامی افغانستان خالصانه ترین همدردی خود را که از صمیم قلب سرچشمه گرفته است به این مناسبت، برای شما و ملت بزرگ مصر و به ویژه خانواده های شهدای این رخداد خونین و غم انگیز ابراز می دارد و عاملان این حادثهٔ اندوهبار را دشمنان دین می داند؛ دینی که از آموزه های متعالی آن رحمت، سلامت، برادری و مودت تراوش می کند.

در اخیر امیدوارم که ملت برادر مصر، در سایهٔ خوشبختی و آرامش و در فضای پر از تفاهم، تسامح و همکاری برکار خیر و تقوی و به دور از همه گونه های ترور و دشمنی زندگی به سر کند.

والسلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

برادر شما

برهان الدین ربانی

رهبر جمعیت اسلامی افغانستان

اسدالله سروری

محاکمه می شود

به تاریخ ۳۰ سرطان، آژانس خبری پژواک خبر داد که پروندهٔ اسدالله سروری رئیس استخبارات زمان حکومت نور محمد تره کی و حفیظ الله امین که از مدت ۱۳ سال بدین سو در زندان به سر می برد، حدود دو هفته قبل ترتیب و کار روی آن آغاز شده است.

اسدالله سروری که در حال حاضر در سارنوالی امنیت ملی تحت نظارت قرار دارد به تاریخ ۲۵ جوزای سال ۱۳۷۱ در زمان حکومت مجاهدین از منزلش در کابل دستگیر و بازداشت گردید. در زمان جنگ های داخلی به پنجشیر فرستاده شد و به تاریخ دوم ثور ۱۳۸۱ دوباره به کابل انتقال یافت.

به گفتهٔ ژنرال عباسی سارنوال ابتداییهٔ امنیت ملی علت به تأخیر افتادن پروندهٔ وی عدم توجه دولت های وقت می باشد.

کمیسیون حقوق بشر که وظیفه دارد تا از وضعیت زندان ها و زندانیان گزارش هایی آماده سازد تا کنون در مورد سروری اطلاعاتی در دست ندارد. محاکمهٔ سروری که متهم به کشتن ده ها شهروندان افغانستان و دست داشتن در کشتارهای دسته جمعی می باشد سر آغاز محاکمهٔ متهمان جنگی در کشور می باشد.

به گفتهٔ یک منبع سارنوالی امنیت ملی او از نداشتن وکیل مدافع نگران است و دلیل آن را ناتوانی اقتصادی خوانده است.

بر اساس قوانین قضایی کشور حکومت مکلف است که به متهمان بی بضاعت در استخدام وکیل مدافع کمک کند.

آدرس مجاهد در اینترنت

Website: www.mujahid1357.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo.com

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ صندوق پستی : ۲۳۶
شماره های تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

دیدار نخست وزیر پاکستان از افغانستان
کدام یک، استراتژی کهنه یا استراتژی نو؟

آقای شوکت عزیز نخست وزیر پاکستان روز یکشنبه ۲ اسد در رأس یک هیأت وارد کابل شد و با رئیس جمهور کشور دیدار کرد. در طول یک ماه و چند روز این دومین سفر یک مقام بلند پایهٔ پاکستان به افغانستان است، آقای آفتاب احمد شیرپاو وزیر داخلهٔ پاکستان در ۲۱ جوزا به افغانستان آمده بود.

این سفر آقای شوکت عزیز در زمانی صورت می گیرد که روابط دو کشور به دلیل اوج گیری حملات تروریستی در جنوب و شرق کشور و اتهام دست داشتن پاکستان در این حملات به تیرگی شدید گراییده است. در این سفر آقای شوکت عزیز بر تعهد دولت پاکستان در مبارزه برضد تروریسم تأکید کرد و صلح و امنیت در منطقه را به سود هر دو کشور خواند. او صد میلیون دلار کمک دولتش را به رئیس جمهور کشور سپرد و قراردادهایی را در زمینهٔ همکاری و سرمایه گذاری افغانستان امضاء کرد.

رئیس جمهور کشور پس از انجام این مذاکرات از همکاری پاکستان در مبارزه برضد تروریسم خرسندی نشان داد و خواستار گسترش روابط دوستانه میان دو کشور شد، در حالی که حامد کرزی در هفتهٔ گذشته در پیش از سفرش به بریتانیا و ایتالیا "بدبختی افغانستان" را ناشی از مداخلهٔ کشورهای همسایه خوانده بود که بی تردید منظورش پاکستان بوده است. بارها در این روز رهبران هر دو دولت طرف مقابل را به گونه یی محکوم کردند و مقصر خواندند و نیز در این اواخر مطبوعات هر دو کشور به تبلیغاتی شدید برضد یک دیگر پرداخته است.

اکنون این پرسش مطرح می شود که آیا این سفر نخست وزیر پاکستان حدی برای این تنش ها خواهد گذاشت یا نه مانند گذشته ها با رفتن در پی استراتژی های کهنه و ناکام به مداخلت در افغانستان و بی ثباتی در منطقه ادامه خواهد داد؟

این دیدارها باید از سطح متعارف و تشریفاتی برای مغشوش کردن اذهان به درون و عمق استراتژی های هر دو کشور نفوذ کند و پایه های استوار روابط واقعاً دوستانه و برادرانه میان دولت ها و ملت های دو کشور مسلمان و همسایه را پی بریزد.

بی اندک ترین شک مسائلی از گذشته ها تا امروز میان افغانستان و پاکستان هست که راه حلی معقول و عادلانه نیافته است ونیز برای دست یافتن بدان تلاشی دلسوزانه مبذول نشده است. و از این ناحیت دو کشور به ویژه افغانستان تا کنون بهایی سنگین پرداخته و پاکستان نیز از زیان آن بی بهره نمانده است.

آیا زمان آن فرا نرسیده است که کشورهای جهان سوم خاصتاً پاکستان و افغانستان به استراتژی های غیر دوستانهٔ خویش پشت پا بزنند و با درس گیری از تجربهٔ اروپای پس از جنگ جهانی دوم طرحی نو در استراتژی های روابط خود با یک دیگر بریزند؟!

کشورهای اروپایی که هر کدام در پیش از جنگ جهانی دوم منافع و نیرومندی خود را در زیان و ضعف همسایه های خود می دیدند اروپا در تشنج و بحران به سر می برد، وقتی تئوری تفاهم و همکاری جای این اندیشه را گرفت، اروپای امروز در ثبات و اطمینان زندگی می کند با آن که دولت هایش در زمانی نه چندان دور جنگ هایی بسیار خونین و وحشتناک را تجربه کرده بودند.

ما زمینه های بسیار بهتر و بیشتر تاریخی و فرهنگی و دینی برای ایجاد یک چنین روابط دوستانه و برادرانه میان کشورهای خود ـ نسبت به آنچه کشورهای اروپایی درمیان خود داشتند ـ داریم ومی توانیم با راستی و صمیمیت به همهٔ تیرگی ها و دهن کنجی ها پایان بخشیم و صفحاتی تازه در روابط خود بگشاییم و حتی می توانیم یک دیگر را در حل عادلانهٔ معضل های دیگر منطقه یاری برسانیم.

آیا این دیدار نخست وزیر پاکستان روشنی نو از همان استراتژی کهنه خواهد بود یا گامی تازه از استراتژی نو؟!

جنگ تمدن ها و شاهراه کابل قندهار!

وحید مژده

نظریهٔ جنگ تمدن ها از مسائل مورد بحث نظریه پردازان مسائل سیاسی پس از فروپاشی اتحادشوروی و پایان جنگ سرد است. این نظریه نخستین بار به وسیلهٔ ساموئیل هاتینگتون در سال ۱۹۹۳ با نشر مقاله یی در نشریهٔForeign Affairs مطرح شد که خطر جنوب یعنی خطر جهان اسلام را به عنوان یک چالش جدید فراراه تمدن غرب مطرح ساخت و با وجود خلاهای این نظریه، توسط نومحافظه کاران در امریکا ملاک عمل قرار گرفت.

هاتینگتون به این باور است که پس از قرارداد وستفالی، شهزادگان، شاهان و امپراتوران در برابر هم قرار گرفتند، پس از انقلاب کبیر فرانسه ملت ها به جان هم افتادند، در قرن بیستم ایدئولوژی ها به مصاف هم رفتند.

بر بنیاد این نظریه آخرین مرحلهٔ درگیری های جهان مدرن درگیری تمدن هاست در حالی که قبل از فروپاشی اتحاد شوروی، جهان شاهد درگیری میان ایدئولوژی ها بود.

بعضی از دانشمندان ونیز دولتمردان کشورهای اسلامی در این مورد ابراز نظر نمودند و بر آن ایراد گرفتند. رئیس جمهور ایران خاتمی در برابر نظریهٔ جنگ تمدن ها، نظریهٔ گفتگوی تمدن ها را مطرح ساخت که از طرف سازمان ملل متحد مورد قبول قرار گرفت و در سطح جهانی نیز از آن استقبال به عمل آمد.

رئیس جمهور کرزی نیز در سفر اخیر خویش به انگلستان در این خصوص، ابراز نظر نمود. وی در حضور جمعی از محققان انگلیسی که در یک مؤسسهٔ مطالعات استراتژیک برای شنیدن سخنان وی گرد آمده بودند گفت:

همین اکنون کشور های مختلف با اعتقاد به ادیان گوناگون به افغانستان کمک می کنند. در افغانستان همکاری تمدن ها وجود دارد. جادهٔ کابل قندهار را امریکایی ها، سعودی ها و ژاپنی ها بازسازی نمودند که مردم این کشور ها ادیان مختلف دارند. به این دلیل اصطلاح جنگ تمدن ها که در مطبوعات غرب به کار می رود به صورت کامل اشتباه است.

اگر چنین خطابه یی خطاب به کارگرانی که این جاده را ساخته اند ایراد می شد تا قدردانی از یاری آنان در کار باشد تا جایی ممکن بود صواب تلقی شود چون این کار بازده همکاری کسانی است که به فرهنگ ها و تمدن های گونه گون تعلق دارند اما وقتی این سخنان خطاب به جمعی از اهل تحقیق و صاحب نظر در مسائل روابط بین المللی ایراد می شود. به گونهٔ یی مطرح شود که سزاوار آن مقام باشد. مراد هانتگتون از جنگ تمدن ها چنان که آقای کرزی گفته است جنگ ادیان است که تضاد درونی آن ها در واکنش های پیروان آن ها بازتاب پیدا می کند. در این جا برای رد این تئوری عناصر جوهری وحدت زا و اتفاق آور ادیان باید مورد بحث قرار گیرد و نه نمادهای بی اتکاء به این جوهرها.

بدون تردید خلاهایی که در این نظریه موجود است تعمیم آن را در سطح جهانی زیر سؤال می برد و دانشمندان و اهل تحقیق با دیدی علمی و عمیق به این مسائل نظر دارند. آنها میان آنچه که گفتگوی تمدن ها خوانده می شود و همکاری شرکت های ذی نفع که در یک پروژهٔ پرسود جاده سازی با هم کار می کنند رابطه یی نخواهند دید. کما این که هواداران نظریهٔ گفتگوی تمدن ها به مثالی از گونهٔ بازسازی شاهراه کابل قندهار اشاره یی نداشته اند. همکاری شرکت ها را نباید از مقولهٔ گفتگوی تمدن ها به شمار آورد. هاتینگتون زمانی که این نظریه را مطرح کرد، از وجود شرکت های عظیم چند ملیتی

همین اکنون کشور های مختلف با اعتقاد به ادیان گوناگون به افغانستان کمک می کنند. در افغانستان همکاری تمدن ها وجود دارد. جادهٔ کابل قندهار را امریکایی ها، سعودی ها و ژاپنی ها بازسازی نمودند که مردم این کشور ها ادیان مختلف دارند. به این دلیل اصطلاح جنگ تمدن ها که در مطبوعات غرب به کار می رود به صورت کامل اشتباه است

بزرگ تر از شرکت لویز برگر و شرکایی که جادهٔ کابل قندهار را ساختند مطلع بود.

برای دولتمردان هر کشوری مطالعه و ارتقای سطح معلومات از ضرورت های مبرم است. شاید استدلال شود که بزرگان، زمان کافی برای مطالعه ندارند درحالی که این بهانه به هیچ صورت موجه نیست. در این مورد به مثالی از کشوری می پردازیم که این سخنرانی در آن جا ایراد شد.

در روزهای بسیار دشوار جنگ اول جهانی که لهیب آتش جنگ هستی ملت ها را خاکستر می کرد، بالدوین

در مواردی شاید کسانی که مورد مشوره قرار می گیرند، به خاطر حفظ مقام و کرسی از این که به سخنرانی تهیه شده توسط خود رئیس جمهور ایراد بگیرند خودداری می ورزند. اگر چنین کاری در مورد اطرافیان رئیس جمهور ما نیز صدق نماید، می توان گفت که واقعاً ما به یک فاجعه مواجه هستیم

رهبر حزب محافظه کار انگلستان از نخست وزیر وقت در مجلس سخت انتقاد کرد و گفت:

عیب نخست وزیر این است که کتاب نمی خواند تا در جریان تحولات زمان قرار گیرد.

للوید جرج نخست وزیر انگلستان در جواب گفت: این سخن درست نیست. من با وجود گرفتاری های زیاد و مشغلهٔ فراوان ایام جنگ، به طور مرتب و از روی برنامه، روزی دوساعت کتاب می خوانم!

ملتی که شعله های جنگ جهانی تومار تمدنش را درهم می نوردید، نخست وزیرش روزی دوساعت کتاب می خواند و اعتراض رقیب حزبی خود را گناه نابخشودنی برای خود تلقی می کرد.

می پذیریم که رئیس جمهور ما مشغول تر از نخست وزیر دوران جنگ جهانی اول انگلستان است و فرصت مطالعه ندارد اما وی از نعمت تعدد مشاوران برخوردار است که ماشاء الله هر کدام مدعی تخصص و دانشند.

گذشته از مشاوران متعدد، دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری نیز از ارگان های ذیدخل در چنین مسائل است که باید در قسمت تهیهٔ سخنرانی های رئیس جمهور سهم عمده داشته باشد و در این کار باید از نهایت دقت کار بگیرد.

ممکن نیست که رئیس جمهور در تمام مسائل دارای دانش اکادمیک و در هر موضوعی خبره باشد اما این خلا را باید مشاوران و دفتر مطبوعاتی پر کنند. رؤسای جمهور در بسیاری از کشور ها خود سخنرانی های خویش را تهیه نمی کنند، این کار به عهدهٔ مشاوران است که نظر به موضوع به تهیهٔ سخنرانی برای رئیس جمهور می پردازند. اگر آقای کرزی این کار را به دوش همین عالی جنابان بگذارد و یا لااقل در تهیهٔ سخنرانی با آنان مشوره نماید، بدون شک نتیجهٔ کار بهتر خواهد شد.

در این جا تقصیر به باور ما از سوی رئیس جمهور نیست، چنان که ما اطلاع داریم ایشان به اندازهٔ کافی مشاور و کارشناس دارند خاصتاً در روابط بین المللی و مسائل بین المللی.

در مواردی شاید کسانی که مورد مشوره قرار می گیرند، به خاطر حفظ مقام و کرسی از این که به سخنرانی تهیه شده توسط خود رئیس جمهور ایراد بگیرند خودداری می ورزند. اگر چنین کاری در مورد اطرافیان رئیس جمهور ما نیز صدق نماید، می توان گفت که واقعاً ما به یک فاجعه مواجه هستیم.

می گویند پادشاهی شعری بی وزن و قافیه سرود و بر وزیر سخن شناس خویش برخواند و نظرش را پرسید. وزیر گفت که آنچه شما سروده اید اصلا شعر نیست. شاه خشمگین شد و دستور داد تا وزیر را به طویله ببرند. چند روز بعد شاه بار دیگر مرتکب سرودن شعر دیگری شد و از وزیر جویای نظر گردید. وزیر اجازه خواست تا از دربار بیرون برود. شاه پرسید: کجا می روی؟ وزیر گفت: به طویله!

اگر خداناخواسته مسؤولان امر ما با وضعی مشابه به این حکایت مواجه شوند باید شهامت زندانی شدن در طویله را داشته باشند که این کار به مصلحت کشور است.

زمامداران رژیم کمونیستی به کشتار مردم دستور ...

اسناد و شواهد کافی موجود است که زمامداران آن وقت خلق و پرچم خود شان دستور داده اند به قتل و کشتار مردم و دولت در سلب آزادی ها و نقض حقوق بشر مسؤول بوده است ولی در جانب مجاهدین اسنادی وجود ندارد که رهبران تنظیم های جهادی وبعد دولت اسلامی مجاهدین دستور داده باشند. دولت اسلامی که در سال ۱۳۷۱ به میان آمد به اتفاق همه مجاهدین بود به شمول آقای حکمتیار که نمایندهٔ شان در پای موافقت نامهٔ پشاور امضا کرده است. در داخل افغانستان وضع طوری بود که همه جناح های خلق و پرچم به انتقال قدرت به مجاهدین راضی شده بودند.

جنگ هایی که صورت گرفت در حالی که تأکید می کنیم که نتیجهٔ مداخلهٔ خارجی بود ولی می خواهم به این مطلب اشاره کنم که به هیچ صورت از سنگینی جرم کاسته نمی شود.

بنا بر این افرادی که متهم هستند به کشتن و بستن و تعذیب و شکنجه و نقض حقوق بشر که یک جرم سنگین است و هر گاه گفته شود که به تحریک خارجی ها صورت گرفته ، جرم را سنگین تر می سازد که چرا یک افغان به اشارهٔ یک خارجی، هموطن خود را بکشد و یا حقوق و آزادی هایش را سلب کند و یا به جان و مال او تعرض کند.

دولت مجاهدین دولتی بود - تاریخ شاهد است و از آن دوران مدتی زیادی سپری نشده است - که خود مرتکب نقض حقوق بشری نشده و با وجود چهارده سال جهاد علیه دشمن، یک نفر خلقی و یا پرچمی را دستگیر نکرده و یک زندانی سیاسی نداشته ، مطبوعات در دولت مجاهدین آزادی داشت، حقوق زنان محترم شناخته شده بود. مکاتب دخترانه و دانشگاه باز بود، در ادارات دولتی خانم ها کار می کردند ولی در مورد جنایاتی که صورت گرفته در سطح افراد است و تا هنوز هیچ سند و شهادتی وجود ندارد که این جنایات بر اساس حکم و یا فرمان رئیس جمهور ویا اراکین دولت و رهبران تنظیم های جهادی صورت گرفته باشد. سخنگوی جمعیت در مورد این ادعا که گویا در طی جنگ های اوایل دههٔ هفتاد و حکومت مجاهدین به تعداد ۶۰ یا ۶۵ هزار نفر کشته شده است، گفت:

در آن شرایط دولت اسلامی مجاهدین مشغول دفاع از خود بود در برابر کسانی که علیه دولت مشروع و قانونی می جنگیدند. دولتی که مورد توافق همه تنظیم های جهادی و همه قومیت های افغانستان بود. این جنگ ها به تحریک دشمنان خارجی افغانستان صورت گرفت و دولت فقط از خود دفاع می کرد.

عجیب است که همچو احصائیه ها و اعداد ارقام چگونه به دست آمده است؟

امروز در حالی که جامعهٔ بین المللی با ماهست، ناتو، آیساف و ائتلاف و همه امکانات در خدمت دولت افغانستان است ولی ما نتوانسته ایم که برای انتخابات ریاست جمهوری و اکنون پارلمانی، احصائیه یی دقیق را تهیه نماییم پس تعجب است که این احصائیه های ۶۰ و ۶۵ هزار از کجا به دست آمده است؟ گر چه ریختن یک قطره خون یک افغان و خراب شدن یک خشت خام خانهٔ یک افغان، جای تأسف وقابل بازپرس است ولی این اعداد و ارقام همه مبالغه آمیز و مغرضانه است.

امروز در حالی که جامعهٔ بین المللی با ماهست، ناتو، آیساف و ائتلاف و همه امکانات در خدمت دولت افغانستان است ولی ما نتوانسته ایم که برای انتخابات ریاست جمهوری و اکنون پارلمانی، احصائیه یی دقیق را تهیه نماییم پس تعجب است که این احصائیه های ۶۰ و ۶۵ هزار از کجا به دست آمده است؟ گر چه ریختن یک قطره خون یک افغان و خراب شدن یک خشت خام خانهٔ یک افغان، جای تأسف وقابل بازپرس است ولی این اعداد و ارقام همه مبالغه آمیز و مغرضانه است

فقیری در مورد این ادعای یک میهمان دیگر برنامه (احمد فهیم حکیم) که گویا قوهٔ قضاییهٔ افغانستان صلاحیت، کفایت وتوان بررسی و فیصله در مورد جرایم ضد بشری را ندارد چنین ابراز نظر نمود:

با تأکید بر ضرورت اصلاحات در قوهٔ قضاییه باید گفت: همه روزه در سرتاسر کشور، محاکم ما به صد ها مورد شکایت رسیدگی می نماید و فیصله صادر می کند، آیا همهٔ این فیصله ها غیر قانونی است؟

جای تعجب است که کمیسیون مستقل حقوق بشر و معاون آن همچو اتهامی را به سیستم قضایی کشور وارد می نماید.

سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان در مورد جنگ ها و وقایع غرب کابل در دوسال اول حکومت مجاهدین چنین ابزار نظر نمود:

یک بار دیگر تأکید و تکرار می نمایم که ریختن یک قطره خون یک افغان و تخریب یک خشت خام خانهٔ یک افغان قابل تأسف و بازپرس است ولی مسألهٔ جهاد و جنگ میان مجاهدین و رژیم کمونیستی و اردوی متجاوز شوروی یک مسألهٔ کاملاً جداگانه بود. در آن جنگ مسائل الحاد، استبداد، تجاوز خارجی رژیم دیکتاتوری پولیسی، سلب آزادی ها، نقض حقوق بشر و یک عالم مسائل دیگر مطرح بود، اما جنگ های دوران حکومت مجاهدین کاملاً یک موضوع جداگانه و دارای علل وانگیزه های متفاوت است.

دولت اسلامی مجاهدین یک دولت فراگیر ملی و دولت ائتلافی همه مجاهدین بود و این دولت فراخوان داده بود به همه متخصصان افغان که بیایند، دولت از خود شان است و در آن سهم بگیرند.

ولی در مقابل این ها، گروه های دیگر با دولت جنگ را آغاز کردند و دولت مجبور بود از خود دفاع نماید! شما همه به یاد دارید که این جنگ ها همه به خاطر وزارت خانه ها بود! وزارت دفاع می خواهیم! وزارت خارجه می خواهیم ، وزارت داخله می خواهیم!

هرگاه قبول بکنیم که آن ادارهٔ دولت مجاهدین یک ادارهٔ انحصار طلب بود و همه قدرت در دست یک شخص، یک خانواده و یک حزب جمع شده بود - که چنین نبود - باز هم شرعاً جواز نداشت که علیه آن قیام صورت بگیرد.

یک مثال عرض می کنیم: دولت شاهی عربستان سعودی که دولت یک خاندان است، در هیچ گوشهٔ دنیا و هیچ عالم دین تا کنون فتوا نداده است که قیام به سیف برضد این دولت جایز است. جنگ مسلحانه بر ضد این دولت جواز دارد . چرا چیزی که در اسلام بسیار مهم است، امنیت است! بعضی ها تعجب می کردند که چرا در اسلام قیام به سیف بر ضد پادشاه ظالم اجازه داده نشده است و می گفتند که اسلام دین انقلابی است.

حال متوجه می شویم که چقدر فساد رخ می دهد در جنگ! چقدر به جان و مال و ناموس مردم تجاوز صورت می گیرد و کسی نمی تواند آن را کنترل نماید! پس همهٔ آن جنگ ها غیر مشروع و ناروا بود.

همان طوری که جناب کرزی دیروز در لندن اشاره کردند که دنیا در آن سال ها ما را تنها گذاشت، دنیا ما را به همسایگان ما واگذاشت و هیچ کس توجه نکرد به حال افغانستان و همان بود که مداخلات خارجی ادامه یافت و اسناد و شواهد زیادی در دست است.

فقیری در مورد مشروعیت دولت اسلامی و سؤال یک شنونده که گویا دولت غیر انتخابی بود و باز هم حوادث غرب کابل مردم بلکه رژیم سابق کمونیستی هم به این نتیجه رسیده بود که چاره یی جز سپردن قدرت به مجاهدین ندارد و هنگام ورود مجاهدین به کابل حتی یک فیر هم از طرف بقایای رژیم صورت نگرفت. بنا بر این یک حکومت مشروع و قانونی و فراگیر بود و متشکل از همه تنظیم ها و جهت ها، و حتی در آن وزرایی بودند که خارج از تنظیم ها و به هیچ کدام آنها منسوب نبودند.

یک مطلب دیگر را در ارتباط با مسائل غرب کابل باید بگویم جنگ، جنگ است و این طور نبوده است که به مناطق تحت تسلط دولت از سوی غرب کابل دسته های گل تقدیم شده باشد!

آنها هم سلاح های سنگین در اختیار داشتند و اگر آنها تلفات داشته اند، این طرف نیز تلفات داشته است. ویک مطلب مهم دیگر را که می خواهم اشاره کنم این است که طرف های درگیر آن دوران (سال های ۷۱-۷۳) در غرب کابل، بعد در دوران مقاومت و دفاع از آزادی و استقلال کشور در یک صف و سنگر قرار گرفتند این ها متحد همدیگر بودند در جبههٔ متحد ملی و فعلاً هم روابط دوستانه دارند و امیدوار هستیم که یاد تلخی های گذشته باعث مکدر شدن شرایط بسیار خوبی که امروز ما در افغانستان داریم نگردد

و الحمدلله همه تنظیم های سابقهٔ جهادی می خواهند به صورت مسالمت آمیز در فضای صلح و امنیت برای انتخابات پارلمانی آماده گی بگیرند. این ها همه به استقرار صلح و ثبات کوشیدند. دو لویه جرگه به همت همین مردم به کمال موفقیت دآیر شد، انتخابات ریاست جمهوری به همکاری همهٔ مجاهدین و مقاومین بر گزار شد، انتقال قدرت و از بن ، تا امروز ....

من امیدوارم هستم که حوادث غرب کابل فقط به حیث یک خاطرهٔ تلخ تاریخی بماند و باعث برهم زدن روابط نیک میان همه نیروهای مطرح جامعهٔ افغانی نگردد. ان شاء الله.

آقای محمد نسیم فقیری در قسمت اخیر

غرب امروز جداً نیاز مند بازبینی درسیاست ها و روش های خود است و در بعضی از کشور هایی که به نام گهواره های دموکراسی یاد می شوند به دختران مسلمان اجازه داده نمی شود که روسری یا چادر بپوشند و از مکتب اخراج می گردند

چنین گفت:

همان طوری که همه اطلاع داریم ، دولت مجاهدین بر اساس توافقنامهٔ پشاور به میان آمده بود واین کاملاً طبیعی است که در دوران جهاد و مبارزهٔ مسلحانه، معمولاً مراکز رهبری در بیرون از کشور و جود می داشته باشد و حتی در شرایطی که یک نوع بحران حاکم باشد. دولت موجودهٔ ما نیز در بن ساخته شده به همین ترتیب ژنرال دوگول حکومت خود را در لندن ساخت در جریان جنگ جهانی دوم چون نمی توانست در پاریس حکومت بسازد...

مسألهٔ مهم دیگر این است که جهاد مسلحانه در افغانستان شکل یک انقلاب را داشت که در سراسر کشور و متشکل از همه اقوام بود.

همان طوری که عرض شد، نه تنها همهٔ

این برنامه و در رابطه با اسلام و غرب چنین اظهار نظر نمود: غرب امروز جداً نیاز مند بازبینی درسیاست ها و روش های خود است و در بعضی از کشور هایی که به نام گهواره های دموکراسی یاد می شوند به دختران مسلمان اجازه داده نمی شود که روسری یا چادر بپوشند و از مکتب اخراج می گردند.

این سیاست به سود اکسیتریمیسم و تروریسم می انجامد. تروریست ها با استفاده از همچو نمونه ها توقع دارند تا تضاد میان غرب و اسلام به صورت روز افزون ادامه یابد. بنا بر این از یک سو اقدامات و روش های غربی ها قابل تأیید نیست و نیازمند تجدید نظر است و از سوی دیگر اقدامات تروریستی افراطی ها باعث بدنامی اسلام و مسلمانان می گردد.

نسیمی از فارس

ترانه های شیراز ۲

نگارش سید قطب

ترجمهٔ خواجه بشیر احمد انصاری



سید قطب

خواندن غزلیات حافظ شگفت انگیز است؛ زیرا خواننده با لذت و آرامش عجیبی آن را دنبال می کند؛ نه خسته می شود و نه هم ملول. زیرا سراپای دیوان حافظ را بازی با لطایف لفظی و تعبیری احتوا نموده است، درست به مانند همان چیزی که در اشعار گروهی از شاعران عربی زبان قرن هشتم هجری که به نام (بدیعیان) شهرت یافته اند، دیده می شود. کثرت استفاده از یک شیوه کافی است که شعر را ساقط سازد و خستگی و دلتنگی خفه کننده یی را به بار آورد.

اما حافظ نمی گذارد که خواننده اش خسته و یا ملول شود. او زمانی از اوصاف زلف یار که یکبار آن را به نام دام عشاق و بار دیگر زنجیری که رهروان راه عشق دست و پای خویش را بدان سپرده اند، یاد می نماید. او

گاهی از طرهٔ مشکین ویا زلف عنبرینی یاد می نماید که بوی خوش عطر آن همه جا را مشکبیز ساخته و زمانی از چاه زنخدان، چشم نرگس، کمان ابرو، قد سرو و شمشاد و امثال این تشبیهات پایان نا پذیر ذکر به عمل می آورد.

حافظ نمی گذارد که خواننده اش خسته شود. او در غزلیات خویش از حوادث تاریخی، داستان های عاشقانه، قصه های قرآن و سایر کتاب های آسمانی، افسانه ها، ویژگی های پرندگان و حیوانات، اصطلاحات علم نجوم و هندسه و طب و اشارت های متصوفان و اهل عرفان و طریقت به صورت پیهم یاد می کند.

حافظ، دارای روان عجیبی است. روح انس گیر، لطیف و لذت بخش این همدم صمیمی، تبسم رضا و خوشنودی را برای مخاطبانش به ارمغان آورده و آنها را وامی دارد تا به گفته هایش گوش فرا دهند ولو که می بینند "حافظ" گاه گاهی "هذیان" هم می گوید.

من در اینجا لفظ "هذیان" را فهمیده و از روی قصد به کار برده ام؛ زیرا حافظ اگر نگویم در همه حالت ها، ولی می توانم ادعا کنم که در بیشتر اوقات با سیمای درویشانهٔ خویش در برابر چشمان خواننده ظاهر شده و به "هذیان" گویی می پردازد. سخنی از این جا و حرفی از آن جا، تا اندازه یی که برای انسان گاهی این تصور دست می دهد که اشارات حافظ را فاقد رابطه یی منطقی به شمار آورد. ولی سخن حافظ چیزی جز اشارات درویش متصوفی نیست که به هستی و موجودات از ورای پردهٔ غیب می نگرد و با رمز سخن می گوید. اما این بدان معنا نیست که اسلوب شعری حافظ تجزیه نا پذیر است؛ زیرا در پشت همهٔ این اشارت ها، رمز ها و کنایه ها وحدتی وجود دارد که غزل واحد، بلکه همه غزلیات او را بهم پیوند می دهد. اگر از اصطلاحات متصوفان استفاده نماییم می شود این را فضای "شهود" نامید. ولی چرا از اصطلاحات آنها استفاده نکنیم، آیا همین حافظ خود در غزلیات خویش از روش آنها درسخن و شعر و از طبیعت ایشان در شعور پیروی نکرده است؟ آخر این فضای "شهود" است که اشارت ها و دلالت های پراگندهٔ حافظ را معنی می کند. اشارت هایی که انفعالات پریشان و احساسات لطیف انسانی در آیینهٔ آن بازتاب شفاف یافته است و هر دو طرف توسط همین پیوند نازک و لطیف بهم گره می خورند.

به این غزل حافظ نگاه کنید:

خواندن غزلیات حافظ شگفت انگیز است؛ زیرا خواننده با لذت و آرامش عجیبی آن را دنبال می کند؛ نه خسته می شود و نه هم ملول. زیرا سراپای دیوان حافظ را بازی با لطایف لفظی و تعبیری احتوا نموده است

لعل سیراب به خون تشنه، لب یار من است
وز پی دیدن او، دادن جان کار من است
بندهٔ طالع خویشم، که در این قحط وفا
عشق آن لولی سرمست خریدار من است
شرم از آن چشم سیه بادش و مژگان دراز
هر که دل بردن او دید و در انکار من است!
شربت قند و گلاب از لب یارم فرمود
نرگس او که طبیب دل بیمار من است
آن که در طرز غزل نکته به حافظ آموخت
یار شیرین سخن نادره گفتار من است

حافظ همیشه در خیز و جست است. تو گویی پرندهٔ سبکبالی است که با کمال زیبایی، شفافیت و دلربایی زمانی از یک شاخه به شاخه یی دیگر می پرد، گاهی در فضا پر می گشاید و لحظه یی از برابر چشمانت به سرعت می رود.

در رباعیات خیام تب و تاب سوزنده وحسرت باري براي گشودن راز بزرگي که در پشت دروازه هاي بسته، نا گشوده مانده است، ديده مي شود

با آن که همه غزلیات حافظ از این دست نیست اما حتی در حالت های تسلسل، این از ویژگی های بارز غزلیات اوست. زیرا سرشت درویشانه حافظ، او را وامی دارد تا کلمات و اشارات را به صورت پراگنده و پریشان به کار برد...

این غزل حافظ ادعای مرا به تصویر می کشد:

زلف آشفته و خوی کرده وخندان لب و مست
پیرهن چاک وغزلخوان وصراحی دردست
نرگسش عربده جوی و لبش افسوس کنان
نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست
سر فرا گوش من آورد و به آواز حزین
گفت ای عاشق دیرینهٔ من خوابت هست
عاشقی را که چنین بادهٔ شبگیر دهند
کافر عشق بود گر نشود باده پرست
برو ای زاهد و بر درد کشان خرده مگیر
که ندادند جز این تحفه به ما روز الست
آنچه او ریخت به پیمانهٔ ما نوشیدیم
اگر از خمر بهشتست و گر از بادهٔ مست
خندهٔ جام می و زلف گره گیر نگار
ای بسا توبه که چون توبهٔ حافظ بشکست

در اینجا تا اندازه یی شاهد تسلسل معانی هستیم، تسلسلی که آگنده از اشارت های رنگارنگ در زمینه های گونه گون می باشد.

تکراری که پیشتر بدان اشاره نمودم در این غزل به وفرت دیده می شود اما همان طوری که گفتم: نه خستگی بار می آورد و نه دلتنگی، قدرت شگفت انگیز حافظ هم در همین نکته نهفته است...

قبل از حافظ، سخن سراي فارسي ديگري هم گذشته بود که گفتني هاي خود را بدون آن که ملالت و خستگي يي ايجاد کند يکسر تکرار می نمود... این شاعر خیام نام داشت.

اما در رباعيات خيام آتشي سوزنده و اندوهي سنگين که با رواني فربه عجين شده است به چشم مي خورد. این امر سبب می شود تا خواننده متوجه تکرار مفاهيم در رباعيات نشود و چنين چيزي در غزليات ديده نمی شود. غزليات حافظ حتي در لحظات سوز و گداز و اندوه، سرشار از لطافت وشفافيت و شوخي و نازک خيالي است... روان حافظ داراي جاذبهٔ شفافي است که زنگ اندوه و غبار ملالت را از خاطر زدوده و فضاي غزليات را مملو از نشاط و انس ساخته است.

در رابطه با خیام باید گفت که او و حافظ در حالي که در ظاهر امر داراي گرايش واحدي هستند اما باز هم فاصلهٔ زيادي در ميان هردو وجود دارد.

در رباعيات خيام تب و تاب سوزنده وحسرت باري براي گشودن راز بزرگي که در پشت دروازه هاي بسته، نا گشوده مانده است، ديده مي شود. خيام با همه تواني که دارد به طور خستگي نا پذير بر آن دروازه می کوبد تا اندازه يي که دست هايش از فرط خستگي از کار افتيده و خاطرش را ملالت فرا می گيرد. سپس در گوشه يي نشسته و احزان خود را در جامي از باده، افگنده و براي لحظاتي از انديشيدن پيرامون راز پشت پرده و معماي بزرگ هستي که حواسش را به خود مشغول نگه داشته است، خود را تسليت مي دهد و باز



تمثالی از حافظ

کوبیدن در هاي بسته را به شکل مرارت آور و تأثر انگيز ذيل از سر مي گيرد.

اي دل چو حقيقت جهان هست مجاز
چندين چه بري خواري از اين رنج دراز
تن را به قضا سپار و با درد بساز
کاين رفته قلم ز بهر تو نايد باز

•••

آورد باضطرابم اول موجود
جز حيرتم از جهان چيزي نفزود
رفتيم به اکراه و ندانيم چه بود
اين آمدن و رفتن و بودن مقصود

•••

می خور که به زير گل بسی خواهی خفت
بی مونس و بی حريف و بی همدم و جفت
زنهار به کس نگو تو اين راز نهفت
هر لاله که پژمرد نخواهد بشکفت

•••

افسوس که سرمايه ز کف بيرون شد

درپاي اجل بسي جگرها خون شد
کس نامد از آن جهان که پرسم از وي
کاحوال مسافران عالم چون شد

•••

می خوردن من نه از برای طرب است
نه بهر نشاط و ترک دين و ادب است
خواهم که به بيخودی بر آرم نفسی
می خوردن و مست بودنم زين سبب است

•••

آرند يکی و ديگری بربايند
بر هيچ کسی راز همی نگشايند
ما را ز قضا جز اين قدر ننمايند
پيمانه ی عمر ماست می پيمايند

در اين لحظاتي که اندوه تند حسرت و خشم پنهاني‌خيام انسان را به وحشت مي انداخته و دست هايش پس از شدت کوبيدن بر ابواب غيب از حرکت باز مانده است، در چنين لحظاتي جام را در دست گرفته ومی خواهد که احزان خويش را در آن رها نمايد. در چنين حالتي حافظ را مي بينيم که با چهره يي در کمال فرو تني وخوشبيني رو به سوي خانهٔ خمار دارد، ولي نه براي آن که اندوهي را در خم شراب اندازد و يا اين که آتش حيرت و آشفتگي خويش را در آن جا خاموش سازد بلکه هدف او چيزي جز مستي و بی خودي و لبريزنمودن کاسهٔ چشم از جمال يار نيست. حافظ هم به مانند خيام از گشودن اسرار غيب مأيوس شده اما اعتنايي به اين مسأله ندارد؛ زيرا به عقيدهٔ او مردم همه از آن پروردگار اند و راز درون پرده، عنقايي است که شکار دام کسي نشود. پس الا يا ايها الساقی! پياله را پيش آر تا در بادهٔ آن عکس رخ يار را مشاهده نماييم و شايد هم که راز هاي نا گشودني غيب در سطح آن نمايان شوند، همان طوري که آيينهٔ اسکندر از گذشته و آينده خبر داده و فاصله هاي دور را نزديک مي آورد.

ادامه دارد

جهادي مشران په پاکستان کې ندي مطرح شوي

پوهاند رباني د داود خان له کودتا نه مخکې د افغانستان د اسلامي جمعیت د مشر په حیث په کابل کې ټاکل شوی و

پورتني مطلب د افغانستان د اسلامي جمعیت ویاند په هغه ګردي میز کې څرګند کړ کوم چې د آزادي د راډیو په ستدیو کې د پنجشنبې په ورځ د چنګاښ د میاشتې په دیرشم تاریخ جوړ شوي و. په دي ګردي میز کې د فقیري نه برسیره د راډیو تلویزیون د خپرونو د کمسیون مشر محترم محمد موسي معروفي د بشر د حقوقو د خپلواک کمیسیون مرستیال احمد فهیم حکیم او د ملي متحد ګوند مشر جنرال نورالحق علومي هم ګډون کړي و او د اوریدونکو پوښتني یې ځوابولي.

فقیري ددي پوښتني په ځواب کې چې د عدالت د پروژې په راپور کې د جهادي تنظیمونو یادونه هم شوي چې په وژونو او ورانیو کې دخیل و داسي وویل:

په مختلفو راپورونو کې د مجاهدینو نه ذکر شوي خو مونږ په اصل کې د بشري حقونو د تامین په باره کې او همدارنګه د سرغړاوي په هکله چې د یو چاله خوانه شوي وي، بالکل موافق یو او دا د عدالت سره برابر ګڼو. خو یو مشخص تاریخ او وخت باید په نظر کې ونه نیول شي څرنګه چې په همدې راپور کې د یو اویایم کال نه زیات ذکر شوي او دافغانستان-د بشر د حقوقو د کمیسیون په راپور کې د 1357 داووم له ثور نه پیل شوي. حال دا چې د بشر د حقونو نقض او بشري ضد جنایات له دي تاریخونو مخکې هم شویدي او زمونږ په تاریخ که ثبت دي په سلطنتي رژیم که هم زندانونه او دسیاسي زندانیانو بشري حقوق تر پښون لاندي شوي و او که یوه اړخیزه پلټنه وشي نو دا به بهتره وي.

تر هغه ځایه چې مجاهدینو پوري اړه لري نو جهاد ایثار او فداکاري ته وایي

جهاد دي ته وایي چې یو انسان د خداي د رضا د حصول لپاره له خپل ځان او مال نه تیر شي او هغه کسان چې د خلکو او یا عامه شتمنیو باندي تجاوز کوي او یا د خلکو په ځان، مال او ناموس تعرض کوي نو داسي خلکو ته مونږ مجاهد نشو ویلاي او ددي پاکي او سپیڅلي کلمي یعني مجاهد ورتیا نلري. نو دایو اسلامي او قراني اصل دي چې جنایتکارانو ته مونږ مجاهد نشو ویلاي او د هغوي حق نلري چې د مجاهدینو په حساب کې راشي بله مهمه خبره داده چې د کمونستانو په رژیم کې بشري حقونه د دولت له خوا نه تر پښو لاندي شوي او دولت یکي مسوولیت لري، د دولت اراکین مسوولیت لري په هغه دوران کې والیانو او ولسوالانو ددي صلاحیت درلود چې خلک ونیسي او وي وژني فقیري د یو بل میلمه (جنرال نورالحق علومي) ددي څرګندوني په هکله چې ګواکي افغانستان کمونیست نه و او کمونستان نه نشته، داسي وویل:

د اچي اوس د پخواني د موکراتیک ګوند غړي ددي ادعا په هکله چې کمونیسم نه و او کمونستان نشته، باید ووایم چې واضح اسناد شته، راډیویي او ویدیویي چې حتي د تره کي او امین په وخت کې دا اصطلاحات په کاریدل.

امین نه - چې په آخرني مطبوعاتي مرکه کې - وپوښتل شو چې څه فکر کوي چې دفعتاً ووژل شي، هغه په ځواب کې وویل: زه غوارم چې په افغانستان کې د سوسیالستي تولني اعمار وکورم.

او ببرک کارمل خپلو ګوندي ملګرو ته ویلي و چې:

ملګرو زمونږ ګوند مارکسیم -

جهاد دي ته وایي چې یو انسان د خداي د رضا د حصول لپاره له خپل ځان او مال نه تیر شي او هغه کسان چې د خلکو او یا عامه شتمنیو باندي تجاوز کوي او یا د خلکو په ځان، مال او ناموس تعرض کوي نو داسي خلکو ته مونږ مجاهد نشو ویلاي

لنینسم ته معتقد دي او هر هغه څوک چې مارکسیم - لنینسم ته اعتقاد و نلري نو ورته اجازه ده، په مخه یې ښه، د خداي په امان! مونږ په ګوند کې داسي کسان نه غواړو چې مارکسیم - لنینسم ته معتقد نه وي.

همدارنګه د افغانستان د اسلامي جمعیت ویاند د علومي ددي خبري په ځواب کې چې ˝کمونستان خو

امین نه - چې په آخرني مطبوعاتي مرکه کې - وپوښتل شو چې څه فکر کوي چې دفعتا ووژل شي. هغه په ځواب کې وویل: زه غواړم چې په افغانستان کې د سوسیالستي ټولني اعمار وګورم.

او ببرک کارمل خپلو ګوندي ملګرو ته ویلي و چې: ملګرو زمونږ ګوند مارکسیم - لنینسم ته معتقد دي او هر هغه څوک چې مارکسیم - لنینسم ته اعتقاد و نلري نو ورته اجازه ده. په مخه یې ښه. د خداي په امان! مونږ په ګوند کې داسي کسان نه غواړو چې مارکسیم - لنینسم ته معتقد نه وي

تول د مجاهدینو له خوا وژل شوي و او څوک نه و پاتي چې د مجاهدینو د اسلامي دولت له خوا بندي شي˝ داسي وویل:

د کمونستانو مشران تول ژوندي او سلامیت دي. تره کي، امین، ببرک او نجیب د مجاهدینو له خوا ندي وژل شوي. دوي د خپل منځي تضاد په نتیجه کې او یا د نورو له خوا نه وژل شوي. د مجاهدینو په حکومت کې نه یواځي دا چې کمونستان بندیان نشول بلکې په خپلو وظایفو کې پاتي شول. د مجاهدینو پر دولت باندي یو لوي انتقاد او حتي د جنګونو یو مهم لامل داښودل کیده چې د مجاهدینو په دولت کې ملیشې ولي شته، د مجاهدینو د دفاع په وزارت کې نبي عظیمي ولي شته، آصف دلاور ولي شته او نور. د مجاهدینو په دولت کې نه یواځي دا چې کمونستانو ته کومه صدمه ونه رسیده بلکې د همغي عمومي بخښني له برکته چې د تولو جهادي تنظیمونو له خوا نه اعلان شوي و - که درست و او یا نادرست- په هغه باندي بالکل عمل وشو او د کمونستانو مشران اوس هم په اروپا او امریکا او یا افغانستان کې ژوندي او آرام ژوند لري.

ښاغلي فقیري د یوي بلي پوښتني په ځواب کې وویل چې:

مخکې مې عرض وکړ چې د افغانستان اسلامي جمعیت د هغو کلونو په دوران کې چې دوي یې یادوي، ددولت یوه برخه وه او نه یو تنظیم . د تنظیم نظامي اړخ رنګ شوي و او د اسلامي جمعیت تول مجاهدین د دفاع په وزارت کې تنظیم شوي و. ددولت د دفاعي سیاست په اړه باید ووایم چې ددنیا په یو ګوټ کې هم دولت جنګ نه غواړي دولتونه غواړي چې حاکمیت ولري، حکومت وکړي او خپل پلان او پروګرام او کړنلاره تطبیق او عملي کړي. او د انور خلک دي چې امنیت نه غواړي او د دولت په مقابل کې مسلحانه جنګیړي فقیري ددي ګردي میز په پاي کې دجهادي تنظیمونو په هکله داسي وویل:

له یده مرغه په غلطه داسي ویل شوي دي چې دا جهادي تنظیمونه تول په پاکستان کې جوړي شوي دي. ګرچه هغه کسانو چې د افغانستان په معاصر تاریخ باندي نظر لري او مطالعه لري او ډیر کتابونه هم لیکل شوي دي چې د مجاهدینو معروف او مشهور و شخصیتونو دننه په افغانستان کې او حتي د سلطنت په دوران کې سیاسي او فرهنګي فعالیتونه درلودل او د کابل پوهنتون د محصلینو په اتحادیه کې په دوه پنځوس کال کې د دواود خان له کودتا نه مخکې اکثریت له اسلامي جمعیت سره و. پوهاند رباني د جمعیت د مشر په حیث په کابل کې انتخاب شوي و او استاد سیاف یې معاون و همدارنګه حضرت صاحب مجددي د افغانستان د جمعیت العلماي محمدي مشر په شاهي دوره کې . پیر صاحب ګیلاني هم چې یوه شخصیت او د طریقت پیر و خالص صاحب هم یو شاعر اولیکوال و. مولوي محمد نبي محمدي هم د شورا وکیل و. دوي تول معروف کسان و په داخل د افغانستان کې او په پاکستان کې ندي جوړ شوي.

گزارش دیدبان حقوق بشر عاملان اصلی جنگ های کابل ...

روز جمعه ۳۱ سرطان سال روان رادیوی صبح بخیر، میز گردی را به اشتراک آقای واقف حکیمی رئیس دفتر فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان، آقای فهیم حکیم معاون کمیسیون مستقل حقوق بشر و آقای ژنرال شاه میر از ریاست محابس وزارت عدلیه ترتیب داده بود که اینک ما سخنان واقف حکیمی را در این جا می آوریم:

به نظر بنده دو مساله در این نشست باید مورد توجه قرار گیرد، یکی مسألهٔ حقوق بشر به عنوان یک موضوع فلسفی انتزاعی و اهمیت طرح آن در همه جوامع بشری به ویژه در جامعهٔ جنگ زده و بحران دیدهٔ ما، افغانستان. دو مسألهٔ صحیح و دقیق و بی طرفانه بودن گزارش هایی که دربارهٔ حقوق بشر و نقض حقوق بشری در افغانستان ازسوی مؤسسات درونی و بیرونی تهیه می شود.

دربارهٔ مسألهٔ حقوق بشر از دید فلسفی آن باید عرض شود که انسان به عنوان گل سرسبد هستی و آفرینش از جایگاهی بلند در نظام آفرینش درمیان دیگر موجودات برخوردار است. و اگر دقیق شویم مسألهٔ حقوق بشر موضوع بحث تمامی عرصه های علوم انسانی و اجتماعی، اقتصاد و سیاست و ... را تشکیل می دهد. و همچنان وقتی به تمامی نظام های سیاسی اجتماعی نظر می کنیم می بینیم، اساسی ترین موضوع آن ها تأمین حقوق انسان است البته به گونه های متفاوت و دیدگاه های متفاوت.

در اسلام همان گونه که خود انسان به عنوان گل سرسبد هستی و محور موجودات مطرح است، همهٔ مسائل و احکامی که در شریعت اسلامی مورد توجه قرار دارد همهٔ آنها برای تأمین حقوق انسان بوده است همهٔ این مقررات و مسائل برای این است که انسان مورد تهدید قرار نگیرد و بر او ظلم نشود و آزادی هایش تأمین شود، آزادی اقتصادی داشته باشد و آزادی سیاسی داشته باشد، در انتخاب خلیفه یا رئیس جمهور سهم داشته باشد، ازدواج به گونهٔ اجباری صورت نگیرد. این ها همه از مسائل عمدهٔ حقوق بشری است که مورد توجه اسلام بوده است و از زاویهٔ دید فلسفی جوامع دیگر هم مطرح می شود. و نیز باید توجه کنیم امروز پس از پایان جنگ سرد و یک قطبی شدن جهان به عنوان برنده ترین ایدئولوژی عصر به دست برخی از قدرت های بین المللی در آمده است.

این دیدهای مختلف از زاویه های گونه گون بر مسألهٔ حقوق بشر بر سیمای گزارش های حقوق بشر اثر گذاشته است. گزارش هایی که در پیوند با مسائل حقوق بشر در بیش از دو دههٔ افغانستان تهیه می گردد، غالباً متأثر از این ناحیه است.

واقف حکیمی دربارهٔ واکنش برخی از رهبران جهادی دربارهٔ گزارش اخیر سازمان دیدبان حقوق بشر گفت: چنان که گفتم این واکنش ها بیشتر به نحوهٔ تهیهٔ این گزارش ها و نحوهٔ نمادگیری آنها باز می گردد.

این واکنش ها و حساسیت ها بیشتر از این جا ناشی می گردد که در گزارش ها بیشتر فوکس بر برخی از سران مجاهدین شده است در حالی که اگر ما واقعاً به بیست و چند سال گذشتهٔ افغانستان توجه کنیم، در می یابیم که بزرگترین و صریح ترین تجاوز های ضد حقوق بشری در دوران حاکمیت کمونیست ها صورت پذیرفته است. قتل هایی عام از روشنفکران و نویسندگان در پولیگون ها را همه شاهد هستیم. حتی وزارت داخلهٔ رژیم وقت فهرست دوازده هزار نفر را ابلاغ کرد که آنها را به جرم سیاسی کشته است. آنچه در ولایات و ولسوالی های دور دست گذشته است داستان های آن ها را مردم می دانند.

در مورد جنگ های کابل که پس از پیروزی مجاهدین واقع شده است به تأکید می گویم که یکی از نمونه های بارز ضد حقوق بشری در افغانستان است که در گزارش دیدبان حقوق بشر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، ولی عوامل اصلی این جنگ ها در بیرون و در درون افغانستان مشخص نشده است. کسانی که این جنگ ها را به راه انداختند و برای آن هزینه و اسلحه تهیه کردند و چه کسانی جنگ را برپا کردند و چه کسانی دفاع کردند. این مسائل همه باید در گزارش حقوق بشر گنجانیده شود و این گزارش را بی طرفانه آماده سازند. باید کسانی که زندان های شکنجه و تعذیب برپا کرده بودند و زندانی های جنگی را کشتند و از قوانین جنگی تخطی کردند مشخص شوند. در برابر یک چنین گزارش نباید هیچ کسی بایستد.

برخی از منابع بیرونی و درونی در صدد آن هستند که از مسألهٔ حقوق بشر در افغانستان یک ایدئولوژی برضد افکار و اندیشه ها و فرهنگ مجاهدین بسازند.

واقف حکیمی در پاسخ به این سؤال که پس چگونه محکمه و بازپرس عادلانهٔ مورد نظر شما به وجود می آید گفت: باز هم تأکید می کنم بررسی و ارزیابی مسائل نقض حقوق بشر یکی از مسائل مبرم جامعهٔ ماست باید همهٔ کسانی که متظلم شده اند به دادشان برسند. این مسأله یی است که همهٔ ادیان سماوی و همهٔ کسانی که به مسألهٔ انسانیت معتقد هستند بر آن تأکید دارند. با تشکیل پارلمان منتخب افغانستان این مشکل تا حدی بالا حل خواهد شد.

چون ما اکنون در مرحله یی قرار داریم که به جز رئیس جمهور دیگر همه نهادهای حکومتی و دولتی ما حالت انتقالی دارد. اگر انتخابات آزاد و عادلانه برگزار شود و پارلمان در نتیجهٔ آن ایجاد شود، این پارلمان مشروع ترین و با صلاحیت ترین و مهم ترین مرجع تصمیم گیری در قضایای بسیار مهم افغانستان از جمله مسائل حقوق بشر و یا نقض حقوق بشر در افغانستان خواهد بود. هیچ کسی نمی تواند به ادعای کفالت و وکالت از مردم خود را بهتر از پارلمان مردم بداند. در این زمینه ها خود مردم مرجع مشروع و با صلاحیت هستند و مظهر ارادهٔ آنان پارلمان است.

بحثی دربارهٔ پارلمان و انتخابات پارلمانی ۴

سید ناصر تقدسی

۲- حب مدح و کراهت ذم: علامت دوم جاه طلبی این است که انسان، دوست داشته باشد از او ستایش شود و از مذمت خود ناراحت و ناراضی گردد. و آنچه بسیار زشت و نشانهٔ جاه طلبی در حد افراط می باشد، این است که انسان از مدح بی جا خوشنود و از مذمت به جا و انتقاد به مورد ناراحت گردد.

۳- ریا کاری و خود نمایی: بعضی از افراد برای رسیدن به وکالت وچوکی، از هیچ گونه ریاکاری و تظاهر خودداری نمی کنند و کوشش می کنند به نرخ روز صحبت کنند و نان بخورند؛ در جایی حرف دین و تقوا مطرح باشد، از تدین و پارسایی لاف می زنند و در جایی که از بی توجهی به اسلام حرفی درمیان بود، خود را دین ستیزان سراپا قرص معرفی می نمایند و در جایی که حرفی از تحصیل درمیان بود خود را فارغان فلان دانشگاه و حوزهٔ علمیه جا می زنند، در حالی که نه آن دانشگاه را به چشم سر دیده اند و نه آن حوزه را.

۴- نفاق و دو رویی: علامت چهارم جاه طلبی، نفاق و دو رویی بعضی از افراد، به خاطر رسیدن به مقام و چوکی و شهرت است، از راه نفاق و دو رویی هرکس و گروهی را به نحوی به طرف خود جلب می نمایند، گاهی خود را طرفدار تودهٔ ستمدیده معرفی می کنند و در زمینه یی دیگر با سرمایه داران بی خدا و مترف و عیاش هم پیاله می شوند، گاهی در جمع غرب زدگان به اصطلاح روشنفکر ارزش های اسلامی و جهادی را به باد استهزا می گیرند و زمانی خود را در لباس مسلمان و مجاهد پنهان می کنند و از حق محرومان و احترام به علما سخن می گویند.

۵- اظهار برتری جویی: نشانهٔ دیگر شهرت دوستی و جاه طلبی ریاست به خرج دادن و اظهار برتری نمودن است؛ چیزی که همواره مورد مذمت و نکوهش اسلام و بزرگان دین قرار داشته است. در زمان جاهلیت، روسا و صاحبان مقام معمولاً در کردار و رفتار خود استعلا داشتند و بر مردم برتری خواهی می کردند و یکی از رسوم شان این بود که پیاده راه نمی رفتند و در راه هم که سواره می رفتند باید از همه جلو تر حرکت می کردند و دیگران از عقب بدرقهٔ شان می نمودند. امروز هم آنانی که فضل فروشی می کنند و خود را نسبت به دیگران برتر می دانند یکی از عادات بدشان این است که پیاده رفتن و با مردم آمیختن را برای خود کسر شأن تلقی می کنند و به هر جا که می روند باید با کاروانی از موترهای شیشه سیاه بروند تا به زعم خود شان مردم غریب را مرعوب خود بسازند!

۶- مأیوس شدن از شکست: علامت آخری جاه طلبی ناراحت شدن از شکست در رقابت های انتخاباتی است. کسانی که هدف شان ادای مسؤولیت است از شکست خود هیچ خمی بر ابرو نمی آورند؛ چون هدف شان ادای مسؤولیت بوده که به مجرد کاندیدا شدن و ارایهٔ برنامه های خود برای مردم تحقق یافته است. اما کسانی که تشنهٔ قدرتند شکست شان در انتخابات باعث می شود که از فرط ناراحتی نسبت به رقیب و یا رقیبان خویش به خصومت برخیزند و از کشتن و بستن مخالفان شان فروگذار نکنند.

رفاه طلبی برای خوشگذرانی

انگیزهٔ داوطلب شدن برای احراز پست وکالت ویا ریاست، ممکن است رفاه طلبی برای هوسرانی و خوشگذرانی باشد. هرچند ریاست و وکالت در آمد زیادی ندارد، مخصوصاً در حکومت اسلامی که زمامداران و مسؤولان دولتی به ساده زیستن توصیه و امر شده اند، ولی بی تردید هستند کسانی، به امید این که بتوانند در ضمن وکالت و ریاست از راه اختلاس، رشوت و معامله گری زندگی خود را مرفه تر نمایند به طلب وکالت و ریاست بر می خیزند و در این راه حتی برای مردم پول وهدایا توزیع می کنند. مردم باید بدانند کسی که در انتخابات پول و... توزیع می کند و از کشورهای بیرونی برای احراز مقام وکالت و ریاست به افغانستان آمده، قصد خدمت به مردم را ندارد و همان گونه که امروز برای مردم پول می دهد و وعده های دروغین می کند، فردا که به قدرت رسید، آرمان مردم را در بدل پول و کسب مادیات می فروشد و برای خوشگذرانی خود از هیچ خلاف رفتاریی دریغ نمی ورزد.

انتخاب ریاست و وکالت به عنوان شغل

شاید بسیاری ها به وکالت و ریاست رسیدن را یگانه راه در آمد زندگی بدانند و به همین منظور، در انتخابات به کاندیداتوری بپردازند. چنین افراد اگر به قدرت رسیدند، در اجرای وظیفه فقط به منافع خود می اندیشند و برای خود کار می کنند، برای مردم فکر نمی کنند و در برابر آنان احساس مسؤولیت نمی نمایند. این گونه اشخاص به جای این که به سود ملت تصمیم بگیرند، شاید برای تأمین منفعت خویش صبح نزد یک تنظیم بروند، چاشت نزد جریان دیگر و شام هم به گروهی دیگر خودشان را بفروشند و به روی آرمان مردم شان پا بگذارند.

خدمت به مردم و انجام مسؤولیت

مردمان متدین و دلسوزی هستند که از کاندیدا شدن هدفی جز رضای خدا، ادای مسؤولیت اجتماعی و خدمت به مردم مسلمان ندارند. این گونه افراد غالباً به تقاضای مردم و علمای دین بارسنگین مسؤولیت را می پذیرند، در جریان کارزار تبلیغاتی هم به دروغ و عوام فریبی نمی پردازند، برای کسی پول وهدیه نمی دهند و به دروازهٔ کسی و حزبی هم برای تأمین مخارج فعالیت های انتخاباتی خود نمی روند و از شکست خود در انتخابات ناراحت و نا امید نمی شوند. از نظر اسلام تنها همین اشخاص، مورد پذیرش اند و مردم در روز انتخابات باید به سراغ آنها بروند و برای شان رأی بدهند.

وظیفه و مسؤولیت مردم در انتخابات

قبل بر این در مورد اهمیت و صلاحیت های پارلمان و مواصفات کاندیداهای انتخابات توضیح لازم ارایه شد، اکنون وظیفهٔ مردم است که با در نظر داشت وظایف شورای ملی و با رعایت خصوصیت ها و ویژگی های اعضای پارلمان به سراغ افراد صالح و شایسته بروند و در روز انتخابات تنها به کسانی رأی بدهند که تمام مواصفات و ویژگی های یاد شده در وجود شان به تحقق رسیده است و آنان صلاحیت نمایندگی از مردم را دارند.

مردم، روزی که به پای صندوق های رأی می روند باید خدا را حاضر و ناظر بدانند و آرای خویش را به عنوان بزرگ ترین امانت الهی فقط به صندوق کسی بریزند که او را کاملاً می شناسند و بر او از لحاظ دیانت، تقوا، خدمت به مردم، علم به احکام شرعی و تخصص در امور پارلمان اعتماد دارند و میزان کارآیی او را تا حدود زیادی آزمایش کرده اند. خدای نخواسته چنان نشود که مردم زیر بار تعصبات قومی و منطقه یی بروند و برای این که فلان کاندیدا قومی و هم قریگی و هم تنظیمی شان است بدون آن که شایستگی داشته باشد، برایش رأی بدهند و در امانت الهی خیانت نمایند. به خاطر این که تعصبات کور قومی و نژادی باعث بی عدالتی نشده باشد خداوند برای ما توصیه می فرماید:

ولا یجرمنکم شنئآن قوم علی أن لاتعدلوا، إعدلوا هو أقرب للتقوی

"شما را دشمنی قومی باعث نسازد که عدالت را زیر پا کنید، عدالت بورزید که به پرهیزگاری نزدیک تر است.

از نظر اسلام بزرگ ترین عدالت این است که امانت ها به اهل آن سپاریده شود چنان که خداوند می فرماید:

إن الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلی أهلها و...

خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهل بسپارید و...

بنا بر این رأی مردم به مثابهٔ بالاترین امانت، باید به کسی داده شود که تمام صفات یک مسلمان واقعی و مسؤول در وی دیده می شود و از کفایت لازم برخوردار است و برای این که خوب تر تشخیص گردد، آیا فردی که انتخاب می شود آدمی لایق، کاردان و با تقوا هست یا نه؟ باید به مسائل زیر عمیقاً توجه گردد:

اول، هر فردی که به حیث مسؤول انتخاب می گردد، اگر برای کاری که انتخاب می شود کفایت نداشته باشد، نه تنها باری را از دوش ملت بر نمی دارد بلکه بر مشکلات مردم هم می افزاید؛ یعنی در قدم نخست شخصی که انتخاب می شود، بایستی کارآیی، تعهد و تخصص داشته باشد.

دوم، نمایندهٔ مردم در شورای ملی یک مشاور تمام عیار است، و مشورت در اسلام، یکجا کردن عقل ها و نظریه ها برای کشف و به دست آوردن حق است، و هر مشاور باید در موضوعی که مورد بحث و مشورت قرار می گیرد صاحب نظر باشد، "در غیر آن این مأمول تحقق نخواهد یافت.

سوم، شناخت آدم با تقوا و اعتماد به پارسایی افراد، کار بسیار دقیق و حسابی است؛ زیرا تقوا یک حالت خود نگهداری است که به صورت یک ملکهٔ نفسانی در انسان پرهیزگار موجود است، و تا انسان در حالت های مختلف قرار نگیرد و زمینه های گونه گون برایش پیش نیاید غالباً وجود این حالت خودنگهداری در او به دست نمی آید.

بنا بر این تشخیص تقوا کاری ساده نیست و تا انسان با فردی معاشرت دراز و نشست و برخاست کافی نداشته باشد و او را در عرصه های گونه گون آزمایش نکرده باشد نمی تواند تقوای او را تصدیق نماید. پس بهترین راه برای شناخت تقوای افراد این است که همنشینان او را باید مطالعه کرد و از رفقای او در مورد تقوا و پارسایی معلومات گرفت.

در این جا برای این که مردم در روز انتخابات به کاندیداهای نا اهل رأی ندهند و ارزش انتخاب و دقت در آن را درک نمایند، بهتر است به ارزش رأی و مسائل دیگری در این زمینه اشاره کنیم.

ارزش رأی از نظر اسلام

رأی دهنده باید بداند کسی که خودش را برای احراز پست و مقامی کاندیدا می کند، در حقیقت مدعی است که گویا وی نسبت به دیگران برای به دست آوردن چوکی مورد نظر مستحق تر است و رأی دهنده که برای او رأی می دهد، در واقع به این ادعای وی مهر تأیید می گذارد و شهادت می دهد که او واقعاً سزاوار است و شایستگی احراز آن مقام را دارد. در این جا اگر کاندیدا و انتخاب شونده شخص لایق و مسلمان باشد، رأی دهنده با ریختن رأی خود به صندوق وی در حقیقت شهادت صادقانه داده و مسؤولیت خویش را به نحو احسن ادا کرده است و اگر خدای نخواسته کاندیدا فرد خوب و صالح نباشد، رأی دهنده با رأی دادن به وی در واقع شهادت دروغ داده است؛ چیزی که از نظر اسلام مردود است و مسؤولیت اخروی دارد، و قرآن کریم این گونه گواهی را، گواهی زور خوانده و مبادرت به آن را حرام قطعی دانسته است!

اکنون که معلوم شده است رأی دادن به نا اهل گواهی دروغ است چه بهتر که حکم و پیامد گواهی دروغ را به گونه یی اختصار مورد بررسی قرار دهیم.

حکم شهادت دروغ

مفتی محمد یوسف ایوب زاده یکی از علمای بزرگ شبه قارهٔ هند در این مورد مقاله یی دارد که اخیراً توسط دوست عزیزم آقای مولوی نقیب الله حمید به دری برگردان شده است و ما در این جا فرازهایی از این مقالت را با اندکی تصرف ذکر می کنیم:

"شهادت و گواهی دروغ از دیدگاه اسلام حرام و جرم عظیم است و مرتکب آن مجرم بزرگ شمرده می شود، در قرآن کریم دروغ گفتن در پهلوی بت پرستی ذکر شده است و این امر دلالت به بزرگی جرم و گناه آن می کند، چنان که خداوند می فرماید:

فاجتنبوا الرجس من الأوثان و اجتنبوا قول الزور

از پرستش بت ها و از سخن دروغ اجتناب ورزید.

شهادت دروغ گناهی است بزرگ و در روایتی اکبر کبایر خوانده شده است. حضرت ابوبکر صدیق روایت می کند که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

آیا شما را به اکبر کبایر خبر ندهم؟ و لحظاتی بعد فرمودند: اکبر کبایر شرک به خدا، نا فرمانی پدر و مادر و شهادت دروغ است.

بنا بر این رأی دادن برای افراد نا اهل و نامردهای غیر صالح حرام و گناه کبیره است و بایستی انسان از آن اجتناب نماید."

رأی دادن به کاندیداهای شایسته

همان گونه که رأی دادن به افراد نا اهل و کاندیداهای غیرشایسته بزرگ ترین جرم و گناه است، رأی دادن به اشخاص لایق، کارفهم، با تقوا و دل سوز یک وجیبهٔ شرعی و ملی است و زمینه های کسب ثواب و پاداش برای رأی دهنده را فراهم می نماید. رأی دادن به شایسته ها حکم گواهی صادقانه را دارد؛ چیزی که قرآن کریم، مسلمانان را به ادای آن مأمور کرده است:

کونوا قوامین لله شهداء بالقسط...

پس بر مردم مسلمان است که در انتخابات شرکت کنند و رأی شان را به صندوق صالح ترین فرد مورد نظر خود بریزند تا مشمول رحمت حق قرار گیرند و با این کار حاکمیت صالحان تحقق یابد و مشکلات کشور، راه حل معقول پیدا کند.

عدم مشارکت در انتخابات

مفتی محمد یوسف ایوب زاده در مورد عدم مشارکت افراد، به نیت نیک در انتخابات می نویسد:

"تجربه داریم که در جریان انتخابات برخی از افراد نیک و با دیانت از مشارکت در انتخابات خود داری می کنند و رأی شان را به کسی نمی دهند، در حالی که درمیان کاندیداها برخی از افراد نیک، اهل کار، شایسته، دین دوست و خدمتگار وجود می داشته باشد. این کار نادرست است و کتمان شهادت پنداشته می شود. و همچنان رأی ندادن به کاندیداهای مستحق و مجرب، برای برنده شدن نا اهلان و فاسقان و مزدوران بیرونی زمینه سازی می کند و موجبات شکست نامزدان بر حق را فراهم می سازد. زیرا آشکاراست که فاسقان جامعه و بد اندیشان اسلام برای کاندیداهای فاسق و برده صفت رأی می دهند نه به نیکان و خدمت گزاران راستین مردم! و این امر، به کامیابی نا شایسته ها می انجامد.

کوتاه سخن این که اگر نیک مردان و دینداران به کاندیداهایی از تبار خود شان رأی ندهند، در حقیقت به گونهٔ غیر شعوری برای نامزدهای نا اهل و غیر متدین یاری می رسانند و راه برنده شدن آنان را هموار می نمایند.

حقوق بشر و زنان از دیدگاه اسلام در میزی گرد در وزارت خارجه ...

و با شمردن عرصه های کار این مؤسسه از اهمیت این میز گرد و شرکت ایشیا فاوندیشن در برگزاری آن گفت. ابتکار برگزاری این نشست را کار دوستانش در وزارت خارجه خواند و گفت تنها ما به همکاری آنان در این زمینه پاسخ مثبت دادیم و این شیوهٔ کار ایشیا فاوندیشن است.

شیخ آصف محسنی با عنوان "مبانی فلسفی و اصول کلی حقوق بشر" سخنران نخست این همایش بود. آیت الله محسنی در مقدمهٔ گفتارش به فقر علمی در جامعهٔ افغانستان اشارت کرد و گفت: فقر علمی یکی از عوامل مهم فقر اقتصادی است، کشورهای قدرتمند به دلیل توجه به علم و دانش به اقتصاد نیرومند دست یافته اند.

او دربارهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر با دید نقادانه نظر افگند و گفت اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر یک ایدئولوژی فاقد فلسفه و جهان بینی است و یا به تعبیر پیشینیان یک حکمت علمی است که حکمت نظری ندارد. علم و دانش از قدیم به این دو حوزه تقسیم شده است: حکمت نظری و حکمت عملی که باید حکمت عملی یا ایدئولوژی مبتنی بر حکمت نظری یا فلسفه و جهان بینی باشد. درسی مادهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر از حقوق و ارزش ذاتی انسان سخن رفته است اما از خود این انسان تعریفی داده نشده است، گونهٔ تعریف فلسفی از انسان است که جایگاه و ارزش او را تعیین می کند. درمیان ماده های سی گانهٔ این اعلامیه انسجام و رابطهٔ منطقی و فلسفی وجود ندارد. به دلائل سیاسی پس از جنگ جهانی دوم از آزادی ملت ها و استعمار در این اعلامیه سخن نرفته است چون کشورهایی در تدوین اعلامیه نقش داشتند خود کشورهایی را در آسیا و آفریقا به عنوان مستعمره در اختیار داشتند. به حقوق آیندگان در آن توجه نشده است. در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر چنان که به حقوق انسان ها در حال حاضر توجه می شود به حقوق آیندگان هم باید توجه شود، ما مکلف هستیم که به سرنوشت نسل های بعدی، صحت و سلامت آنان هم توجه کنیم، بر اساس علم ژنتیک در هر کودک ۶۰۰۰ حالت مرض زای وجود دارد که با مساعد شدن زمینهٔ بروز آن ها بیماری ظاهر می شود والا در حالت کمون می ماند. در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به این مبانی علمی توجه نشده است. همچنان از مکارم اخلاقی که ضامن اجرای حقوق بشر است سخن به میان نیامده است مثلاً حق آزادی کار مقید نشده است باید حق آزادی کار مقید به کار مشروع شود تا جلو تولید سلاح های بیرون از حد نیاز امنیت جهانی توسط کمپانی های فراملیتی گرفته شود و تجارت مواد مخدر به دلیل مشروع نبودن و زیانبار بودن نکوهش شود. سالیانه ۱۵۰ میلیارد دلار سود از باب ربح وام های کشورهای فقیر به جیب بانک های فراملیتی می ریزد و کشورهای فقیر هم به توسعه نمی رسند. این ها مواردی است که اعلامیهٔ جهانی حقوق از توجه به آنها به دلیل اهمال بعد اخلاقی غافل مانده است.

آیت الله محسنی گفت که اعلامیهٔ حقوق بشر اسلامی هم نقیصه هایی دارد. او برای تدوین یک اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر مورد اتفاق همه جهانیان پیشنهاد کرد که کارشناسان حقوق و اقتصاد و دانشمندان ادیان به ویژه از دو دین بزرگ جهانی اسلام و مسیحیت بنشینند موارد اتفاق این دو اعلامیه را پیدا کنند و چیزهایی دیگر که لازم است به گونه یی بدان بیفزایند و تدوین کنند که دارای پشتوانهٔ جانبینی فلسفی انسانی مورد قبول همه باشد، تا بتواند این اعلامیه روابط انسانی و عادلانهٔ همه انسان ها را در روی زمین تأمین کند.

سپس پروفیسور دکتر محمد فغفوری زیر عنوان "حقوق بشر در اسلام" سخنرانی کرد و گفت: من با توجه به شرایط کشورهای جهان اسلام و به ویژه افغانستان دو مطلب را برای ارائه در این جمع در نظر گرفتم و مرادم از ارائهٔ این دو مطلب ارائهٔ راه حل هایی برای معضل ها و پاسخ به پرسش های مطرح نیست، بلکه قصدم ازائهٔ پرسش هایی است که ممکن است از ذهن ما گاهی غایب شود. آن دو مطلب از این قرار است:

درسی مادهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر از حقوق و ارزش ذاتی انسان سخن رفته است اما از خود این انسان تعریفی داده نشده است، گونهٔ تعریف فلسفی از انسان است که جایگاه و ارزش او را تعیین می کند. درمیان ماده های سی گانهٔ این اعلامیه انسجام و رابطهٔ منطقی و فلسفی وجود ندارد. به دلائل سیاسی پس از جنگ جهانی دوم از آزادی ملت ها و استعمار در این اعلامیه سخن نرفته است.

۱- مسألهٔ حقوق بشر از جمله حقوق زنان و مسائلی از این قبیل بیش از دو دهه است که در جهان اسلام به شدت مطرح می شود. در این رابطه بیشتر بین دو مقوله خلط شده است، حقوق بشر در اسلام و رفتار دولت های اسلامی در برابر حقوق بشر، غالباً رفتار دولت های اسلامی به عنوان حقوق بشر در اسلام تلقی شده است.

۲- اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، زادهٔ اندیشه و فکر اروپایی است و آن یک سند عرفی – سکولار است که با توجه به شرایط پس از جنگ جهانی دوم با پیشینهٔ فرهنگی مسیحی نوشته شده است اما زمانی که حقوق بشر از دیدگاه اسلام مورد بحث قرار می گیرد پای وحی به میان آید که تغییر پذیر نیست. ولی تفسیر و برداشت از آن می"تواند متفاوت باشد.

دکتر فغفوری به حق هایی انسانی مانند حق زندگی و حق آزادی دینی و... در اسلام به تفصیل گپ زد و دربارهٔ رعایت آزادی دینی در اسلام با ذکر آیت **(لا اکره فی الدین)** گفت زمانی که در قرن پانزدهم یهودیان در هسپانیه مورد تهدید قرار گرفتند دولت عثمانی در ترکیه آنان را پناه داد و به استانبول فراخواند و گردانندگان چرخ اقتصاد دولت عثمانی ارتودوکس های یونانی بودند. او گفت بیش از پنجاه سال است که روشنفکران مسلمان می خواهند به جامعهٔ غربی ثابت کنند که حقوق زن و مرد در اسلام برابر است. آنچه در بینش اسلامی مهم است این است که زن و مرد در اسلام مکمل یکدیگرند و در این زمینه به شواهدی در آثار ابن عربی اشارت کرد. و بنده در اثنای تعلیقاتی که بر برخی از گفته های ایشان داشتم گفتم که پیش از سخنان ابن عربی حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم وجود دارد که به وضاحت این معنی را باز می گوید: **(النساء شقایق الرجال)** و ممکن است ابن عربی این مسائل را از این حدیث گرفته باشد.

دکتر فغفوری برای جا افتادن حقوق بشر در افغانستان گفت باید ما به این پرسش ها پاسخ در یابیم:

- آیا اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر با فرهنگ ها و تمدن های کشورهای اسلامی قابلیت تطبیق را دارد؟
- ویژگی های حقوق بشر در اسلام کدام هاست؟
- وجوه اتفاق و افتراق میان اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و حقوق بشر در اسلام کدام هاست؟ و...

سخنرانی پروفیسور دکتر محمد هاشم کمالی عنوان "عرف و عادات ناپسند و حقوق زنان در افغانستان" را حمل می کرد. دکتر کمالی کسی است که در دانشگاه های کشورهایی متعدد از اروپا تا آمریکا سمت استادی داشته است. او وجود عادات ناپسند را در جامعهٔ افغانستان مانعی بر سر راه دست یافتن زنان به حقوق شان خواند. مسألهٔ "بد دادن و "ولور" و نکاح اجباری و به میراث رفتن زنان بیوه و... را از جملهٔ این عادات بد معرفی کرد و گفت این ها هیچ ربطی به اسلام ندارد و اسلام مخالف همهٔ این مظاهر است. او از حقوق سیاسی و مدنی زنان در اسلام سخن گفت. او همچنان گفت که برخی از عادات و سنت های قبیلوی عرب در تفسیر قرآن کریم و سنت پیامبر و از آن طریق در فقه اثر گذاشته است و در این زمینه به وجود اسرائیلیات و موضوعات در کتاب های تفسیر طبری و بیضاوی و نسفی و قرطبی و... یاد کرد و چندتا تفسیر معاصر مانند تفسیر المنار و تفسیر مراغی و مانند آن ها را مورد اعتبار قرار داد. او گفت که در فقه اسلامی مواردی وجود دارد که نیازمند رفرم است از جمله مسائل خانواده مانند نکاح و طلاق باید مورد اصلاحات قرار گیرد و اشارت کرد که در قانون مدنی افغانستان در این مورد اصلاحات به وجود آمده است و در ماده های ۷۰ و ۷۱ سن قانونی ازدواج ۱۶ و ۱۸ تثبیت شده است.

برخی از نظریات آقای دکتر کمالی بیشتر از دیگران از سوی برخی از شرکت کنندگان مورد نقد و بررسی قرار گرفت. نویسندهٔ این سطور یکی از کسانی بودم که در بارهٔ وجود اسرائیلیات و موضوعات و احادیث ضعیف در کتب تفسیر قرآن کریم وشیوه ها و راهکارهای تصفیهٔ آن ها از منابع تفسیر و حدیث بر گفته های ایشان تعلیقاتی داشتم و همچنان دکتر فضل الهادی وزین نقدهایی دربارهٔ برخی از موضوعات ارائه شده توسط دکتر کمالی ایراد کرد. بسیاری از مسائلی مطرح شده خاصتاً توسط دکتر کمالی بحث طلب و مناقشه خواهد بود ولی به دلیل تنگی وقت بسیاری از این مسائل بدون مناقشه ماند.

همچنان گاهی پرسش هایی بسیار حساس و ارزشمند برای زندگی زنان در جامعهٔ اسلامی افغانستان مانند آیا می شود زنی سقط جنین کند و یا از حمل سرباز زند و از این قبیل از سوی شرکت کنندگان مطرح شد، چنین پرسش هایی باید زمینهٔ طرح شدن و پاسخ یافتن در وسائل ارتباط همگانی پیدا کنند.

به هر حال این میز گرد با این کیفیت به باور من از میزگردها و سیمینارهایی مهم بوده است که تا هنوز در این زمینه به این جدیت مطرح می شود. لازم است چنین همایش هایی علمی از سوی مؤسسات علمی و رسانه های همگانی راه اندازی شود تا این مسائل به فرهنگ جمعی تبدیل گردد و از تجرد و انتزاعی بودن نجات یابد.

دایر کردن چنین همایش ها و نشر آن از راه ابزارهای ارتباط همگانی بی تردید زمینهٔ جا افتادن فرهنگ حقوق بشری را مهیا خواهد کرد. اگر بنده فرصت داشتم در آینده تعلیقه هایی بر هر یک از موضوعات مطرح شده در این میز گرد ارائه خواهم کرد.

در پایان بایسته است که از وزارت محترم خارجه و ایشیا فاوندیشن برای برگزاری این میز گرد تشکر کنم.

انفجار در شرم الشیخ مصر ...

نیروهای امنیتی مصر ۳۵ نفر را در ارتباط به بمب گذاری های روز شنبه اول اسد در منطقهٔ تفریحی شرم الشیخ بازداشت کرده اند. این انفجارها که در سه نقطه به وقوع پیوست ۸۸ کشته بر جای گذاشت. این۳۵ نفر چند ساعت پس از وقوع انفجارها دستگیر شدند.

حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر در دیدار با بازماندگان این انفجارها ضمن وعدهٔ دستگیری دربارهٔ عاملان این رویداد گفت: مصر تا زمان ریشه کن شدن تروریزم با این پدیده مبارزه خواهد کرد و گفت این گونه حملات، اراده و تصمیم مصر را برای ریشه کن کردن تروریزم افزایش می دهد.

جورج بش رئیس جمهوری امریکا این حملات را وحشیانه خواند، و برای مجازات عاملان آن پیشنهاد کمک کرد.

استفان هدلی مشاور امنیت ملی آقای بش گفت: انفجارهای شرم الشیخ نشان می دهد که جهان در کانون یک جنگ طولانی و دشوار ایدئولوژیک قرار گرفته است. منابع پلیس مصر می گویند: آنها در جستجوی شش شهروند پاکستانی اند که پس از وقوع این حادثه از هتل غزاله در شرم الشیخ نا پدید شده اند.

مقامات پاکستانی می گویند که مقامات مصر دربارهٔ نا پدید شدن شش پاکستانی به آن ها اطلاعی نداده اند.

در اسلام آباد بسیاری مردم از شنیدن گزارش ها دربارهٔ نا پدید شدن شش پاکستانی و اظهاراتی که آنها را متهم به دست داشتن در بمب گذاری های شرم الشیخ می سازد، تکان خورده اند.

در بمب گذاری های ۱۶ سرطان لندن نام پاکستان به طور غیر مستقیم یاد شده و در برخی از گزارش ها گفته شده است که دست کم دو تن از بمب گذاران لندن، در سال گذشته از پاکستان دیدار کرده اند تحلیل گران به این باورند که اگر ارتباطی میان انفجارهای مصر و پاکستانی های نا پدید شده آشکار گردد، آن گاه تصویر پاکستان، تاریک تر و سیاه تر خواهد شد.

رادیو آزادی در تبصره یی بر رویداد اخیر شرم الشیخ یاد آورد شد که در این اواخر به ویژه پس از انفجارهای خونین لندن، نام پاکستان به نحوی با تروریزم گره خورده است. انفجارهای مصر، فشار جهانی بر پرویز مشرف رئیس جمهوری پاکستان را برای این که در مبارزه اش علیه تروریزم جدی تر و قاطع تر شود، افزایش داده است.

جهان غرب از پرویز مشرف انتظار دارد چشمه هایی را که شاید حوادث تروریستی از آن آب بخورد در داخل کشورش خشک کند اما هر بار که مشرف دست به سرکوب افراطیان و تندروان می زند، فشار ذهنیت عامه در داخل کشور بر او بیشتر می گردد.

بی.بی.سی در تحلیلی بر رویداد شرم الشیخ نوشت: بمب گذاری ها در شرم الشیخ مثل بمب گذاری های اخیر در لندن، به گونهٔ آشکار جامعهٔ جهانی را تکان داد و سؤالات متعددی را نیز مطرح کرد. از جمله این که آیا پیوندی میان این دو بمب گذاری وجود دارد یا نه؟ در مصر گمان ها بر این است که آیا این بمب گذاری ها یک اقدام مخالفان داخلی با برنامهٔ داخلی آنها بوده است و یا حمله یی با اشاره های تروریزم بین المللی و یا هم مخلوطی از هر دو.

شرم الشیخ جایی مطبوع برای تجمع خارجی ها به حساب می رود وهمچنان محلی با آبرو برای مقامات بلند پایهٔ مصر مرکزی برای فعالیت های دپلماتیک جمهوری مصر به شمار می رود.

هفته نامهٔ

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

• مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
• مطالب آمده مسترد نمی گردد .
• آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۱۸ چهارشنبه ۵ اسد ۱۳۸۴ ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۲۶ — 27 July 2005

با حضور دانشمندانی از خارج و داخل کشور

حقوق بشر و زنان از دیدگاه اسلام در میزی گرد در وزارت خارجه مورد بحث قرار گرفت

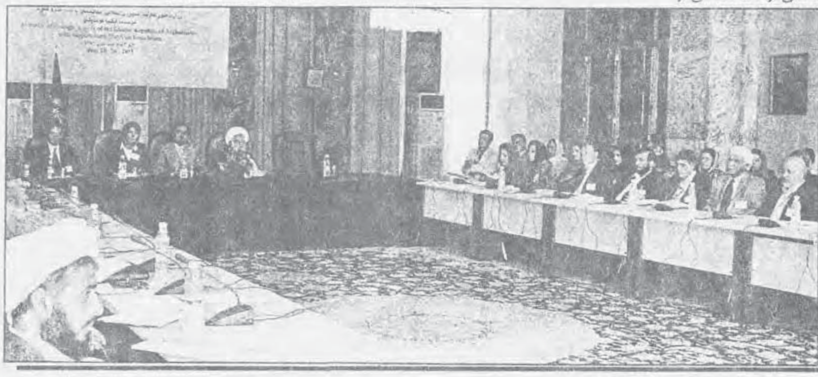
واقف حکیمی

میزی گردی دو روزه زیر عنوان "میز مدور پیرامون حقوق بشر و زنان از دیدگاه اسلام" به همکاری ایشیا فاوندیشن در وزارت خارجه برگزار شد. این میز گرد روزهای دوشنبه و سه شنبه از ساعت ۹ صبح تا حوالی ۵ عصر دوام کرد.

به این میز گرد سه تن از دانشمندان از داخل و خارج کشور جهت ارائهٔ سخنرانی فرا خوانده شده بودند. از خارج کشور پروفسور دکتر محمد فغفوری استاد علوم اسلامی در دپارتمان ادیان دانشگاه جورج واشنگتن ایالات متحدهٔ امریکا، و پروفسور دکتر محمد هاشم کمالی استاد علوم اسلامی در دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی، و از داخل کشور شیخ محمد آصف محسنی و شماری نیز به عنوان شرکت کننده در بحث مانند مولوی معنوی معاون پیشین ستره محکمه و پوهاند عزیز رئیس فاکولتهٔ شرعیات و پوهاند موسی معروفی رئیس کمیسیون نشرات رادیو و تلویزیون ملی افغانستان و شماری از استادان دانشگاه ها و معینان و رئیسان وزارت خانه ها شرکت کرده بودند.

نشست روز نخست را دکتر عبدالله وزیر خارجه افتتاح کرد و ضمن اظهار تشکر از شرکت کنندگان برای آنان توفیق خواست که این میز گرد به نتایجی مثبت بینجامد.

سپس رئیس موسسهٔ ایشیا فاوندیشن دکتر جان.ل سمر سخنانی ایراد کرد ص۷



دافغانستان پاکستان په ګډه پوله ٦٠ طالبان ووژل شول

د خبري سرچينو په وينا په خوست کي د اردو پر دوو مرکزونو له بريدونه وروسته د افغانستان او پاکستان د سرحد په اوږدو کي دافغان، پاکستان او امريکايي ګډو پوځونو د عملياتو په نتيجه کي له شپيتو څخه زيات طالب جنګيالي ووژل شول.

په وژل شويو کسانو کي دري تنه د چيچنيا اتباع او دوه تنه ازبکان شامل دي.

بلخوا پاکستاني عسکرو په شمالي وزيرستان کي 17 کسان وژلي چي زياتره ني بهرني اتباع دي.

در مذاکرات آقای حامد کرزی ...

مقداری کتاب معارف، ده هزار خیمه و بکس مکتب را به حامد کرزی تسلیم داد.

یک صد میلیون دلاری که کشور پاکستان در کنفرانس توکیو وعده سپرده بود، در بازسازی شاهراه تورخم ـ جلال آباد، خریداری دو صد عراده موتر باربری، صد عراده موتر بس و در سایر عرصه ها به مصرف رسیده است.

کشور پاکستان احداث خط آهن چمن ـ اسپین بولدک را وعده سپرده است که با اکمال این پروژه زمینهٔ انتقال اموال از کراچی به افغانستان فراهم می گردد.

نخست وزیر پاکستان پس از اقامت حدود شش ساعت، عصر همان روز کابل را به قصد اسلام آباد ترک گفت.

تظاهرات ضد آمریکایی در بگرام

دیروز ۴ اسد سال روان راه پیمایی وسعی بر ضد امریکاییان در بگرام راه اندازی شد.

این تظاهرات پس از آن به راه افتید که نیروهای ائتلاف ضد تروریسم به رهبری آمریکا مستقردر



بگرام ۸ تن از اهالی آن جا را بازداشت کردند.

در اولین ساعات روز سه شنبه ۴ اسد، تظاهر کنندگان خشمگین، تایرهای موتر را آتش زدند و شعارهای ضد آمریکایی را سردادند.

گفته می شود که شب گذشته نیروهای آمریکایی مستقر در بگرام در نتیجهٔ یک عملیات جستجو ۸ تن از اهالی بگرام را بازداشت کردند.

تظاهرکنندگان می گفتند که آمریکایی ها حق ندارند بدون اطلاع مسؤولان محلی، وارد منازل مسکونی شوند.

در حالی تظاهرکنندگان ادعا می کنند که کسانی که توسط نظامیان آمریکایی بازداشت شده اند، بی گناهند.

"جری اوهارا" سخنگوی نظامیان آمریکایی در بگرام، می گوید که بازداشت شدگان، قصد داشتند برای حمله به نیروهای ائتلاف بین المللی ضد تروریسم در افغانستان برنامه ریزی کنند.

آقای اوهارا گفت: ما خواستهای تظاهرکنندگان را جدی می گیریم.

دولت افغانستان نیز بارها از نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا خواسته است تا پیش از عملیات شان، مقامات امنیتی افغانستان را در جریان قرار دهند.

هر چند این نخستین باری است که نیروهای آمریکایی شاهد تظاهرات شهروندان افغانستان در اطراف پایگاه مرکزی شان هستند، اما اعتراض علیه رفتار نیروهای آمریکایی در کشور بی سابقه نیست.

اوایل امسال، شماری از مردم در ولایت ننگرهار، به دنبال بازداشت یک زن توسط نیروهای آمریکایی دست به تظاهرات زدند.

نیروهای آمریکایی ادعا دارندکه دراین عملیات، پلیس و نیروهای امنیتی افغانستان نیز با نیروهای ائتلاف همکاری داشتند.

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

چند شماره قبل در گفتند و شنیدیم مطلبی تحت عنوان (انیس کاسه زیر نیم کاسه می گذارد) به نشر رسید که به کاستی های دنباله دار در این روزنامهٔ دولتی از جمله به کار گیری غلط و معکوس ضرب المثل (زیر کاسه نیم کاسه) اشاره شده بود. گردانندگان روزنامهٔ انیس از روی خشم مطالبی به نام نقد در مذمت از انتقاد ما سرهم کردند و به نشر سپردند. از جمله این که هرکس می تواند یک ضرب المثل را به شکل دلخواه خود دست کاری کند و به کار گیرد یعنی استفادهٔ معکوس هم جواز دارد.

من هم با استفاده از همین اجازه و رخصت دانشمندان نقاد انیس، چند ضرب المثل را به شکل معکوس به کار می گیرم. اگر جواب نداد گناهش به گردن همان دانشمندان!

زورش به پالان نمی رسد می زند به خرش!
به یک بهار گل نمی شود!
جوک جوک نمیر که بز لغمان می رسد!
کوه به کوه می رسد آدم به آدم نمی رسد!
هندوستانش یاد فیل کرده است!
طبیب اگر کل بودی سر خود دوا نمودی!
آب را هروقت از ماهی بگیری تازه است!

افشاگری ناتمام بشردوست!

چندی قبل رئیس جمهور کرزی در سمیناری در حضور والیان کشور گفت که جاسوسان خارجی در ادارات کشور ما رخنه نموده اند. در این مورد مطبوعات تبصره هایی فراوان داشت و حتی رادیو بی بی سی این مسأله را با شماری از اهل نظر و شنوندگان مطرح ساخت.

همزمان با این تحول، جناب آقای بشردوست در حالی در پردهٔ تلویزیون طلوع ظاهر شد که فهرستی از مقامات بلند پایهٔ کشور به شمول وزرا و معاونان آنان را به بینندگان نشان داد. این فهرست که شامل بیش از چهل نفر از بزرگانی بود که ماهانه حداقل سه هزار دلار از یک شرکت انگلیسی معاش دریافت می کنند.

بار اول بشردوست در تلویزیون با صدای خودش در حالی که در بارهٔ معاش بگیران معلومات می داد نشان داده شد اما در برنامهٔ بعدی خبر، صدای وی را حذف کردند و نطاق از قول وی سخن گفت و بعد خلاف انتظار در برنامهٔ بعد تر این خبر کاملا حذف شد.

کاملا واضح بود که بزرگان معاش بگیر با اعمال نفوذ مانع پخش این خبر شدند و این مسألهٔ نهایت مهم، دیگر پی گیری نشد. به این می گویند مبارزه با جاسوسان خارجی در دوایر دولتی!



انفجار در شرم الشیخ مصر و دستگیری مظنونان آن

ص۷